

تأثیر سزایرانی در ششای طاق یک نمازخانه در جزیره سیل

اکبر تجویدی

و مداوم نبود که چهره هنر آسامان را بکلی عوض کند باینهمه با اندکی تعمق بسیاری از عوامل هنری ایرانی را در تعداد زیادی از آثار معماری و دیگر پدیده‌های هنری این نواحی نیز می‌یابیم .

در اواخر قرن یازدهم میلادی اندک اندک نرمان‌ها بر سیسیل چیره شدند و دست مسلمانان را از فرمانروائی بر این جزیره کوتاه کردند ولی گرچه حکمرانان مسلمان به ترک سیسیل ناچار گشتند هنر ایرانی که بوسیله آنان در این سرزمین متداول شده بود از خاک سیسیل رخت بر نه بست و همان نرمان‌های پیروز ستایشگر این هنر گشتند و در راه ترویج آن کوشیدند. دلبستگی پادشاهان این سلسله به فرهنگ ایرانی تا بدانجا رسید که یکی از آنان یعنی «روژه دوم» (Roger II) خود پوشاک شیوه ایرانی بر تن کرد و رفتاری همانند بزرگان ایران در پیش گرفت و چون در آنروزگار مردم سیسیل دین مسیح را اختیار کرده بودند روش این پادشاه در نظر آنان یکنوع بی‌اعتنائی به رسوم متداول تلقی میشد و از همین رو بدگویان وی او را « پادشاه کافر منش و بت پرست » لقب دادند. این اولین باری نبود که در طول تاریخ جنگجویان پیروز مغلوب تمدن و فرهنگ مغلوبین خود میشدند! مگر از میان خلفای عباسی متوکل و هارون الرشید و پس از وی جانشینانش لباس ایرانی بر تن نکردند و نکوشیدند روش شاهنشاهان ساسانی را پیش گیرند و کاخهایی همانند ایوانهای آنان بسازند؟ همچنین مگر هزار سال پیش از آنان اسکندر پیروز خود مغلوب فرهنگ و تمدن ایرانی نشده بود و یا صدها سال پس از آنان مغولان مهاجم در برابر تمدن و هنر ایرانی سر تعظیم فرود نیاوردند؟

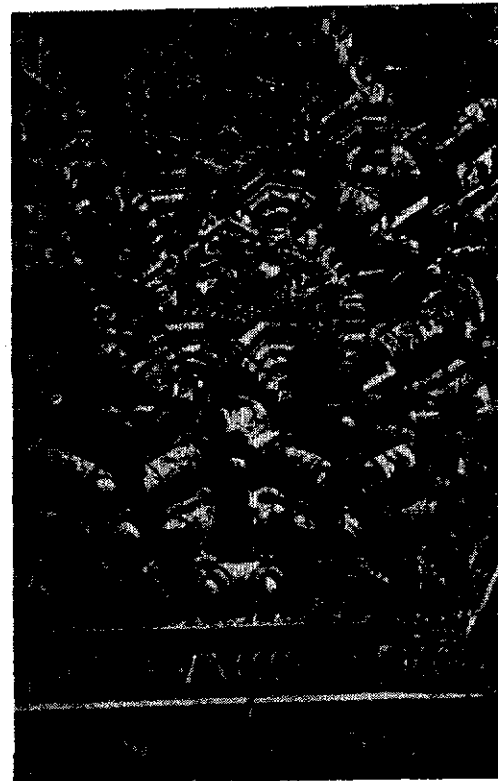
گفتیم پادشاهان نرمان به هنر و فرهنگ ایرانی دلبستگی زیاد نشان دادند. در زمان آنان بسیاری از رساله‌های علمی ایرانی مورد تحقیق قرار گرفت و در زمینه تصنیف آثار تازه سرمشق دانشمندان آن روزگار قرار گرفت از جمله در هنگام فرمانروائی همین روژه دوم بدستور وی کتاب تربیت مرغان

میدانیم هنر ساسانیان در بخش بزرگی از دنیای متمدن زمان آنان رواج داشته و تجلیات گوناگون آن در گوشه و کنار دنیای آن روزگار سرمشق هنرمندان بوده است .

از هنگامیکه ایرانیان به دین اسلام گرویدند تمام تجربیات هنری و فرهنگی و همه سنت‌های باستانی ایرانی به خدمت آئین نو گماشته شد و پایه‌های هنر اسلامی را بنیاد نهاد . گرچه در قلمرو سرزمین‌هاییکه تا آنروزگار از آن بیزانس بود هنر اسلامی تا اندازه‌ای رنگ غربی به خود گرفت و همان بهره‌گیری که از هنر ایرانی شد از سنت‌های باستانی یونان و روم نیز بعمل آمد ولی با مقایسه آنچه تمدن و هنر ایرانی به جهان اسلام ارمغان داده سهم بیزانس بسیار ناچیز می‌نماید . برآستی در هر جا سخن از هنر اسلامی بمیان بیاید گوئی از هنر ساسانیان گفتگو میشود زیرا تا دور افتاده‌ترین نقاط دنیا آنجا که دین اسلام متداول گشته بدنبال خود فرهنگ و تمدن و هنر ایرانی را نیز بهمراه برده و آنرا رایج ساخته است .

هنوز یکی دو قرن از ظهور اسلام نگذشته بود که بخش بزرگی از کناره‌های دریای مدیترانه بتصرف مسلمانان درآمد و دریائی را که آنروزگار دریای روم میخواندند قلمرو دین و آئین جدید گشت . جز سرزمین‌های شمال افریقا دو بخش مهم اروپا یعنی اسپانیا و قسمت‌های جنوبی ایتالیا از جمله سیسیل قرن‌ها جزء منصرفات اسلامی بود و به همین جهت فرهنگ ایرانی که بوسیله حکمرانان مسلمان بهر جا که قدم مینهادند رایج میگشت فرصت ییافت در این دو سرزمین ریشه دواند و تنومند گردد .

فتح جزیره سیسیل در حدود سالهای ۶۵۰ میلادی آغاز گشته و در حدود سالهای ۸۳۰ به اتمام رسید . در این جزیره مرکز فرمانروائی مسلمانان شهر « پالرم » (Palermo) بود. گرچه هنگامی قلمروهای جنوبی ایتالیا یعنی « کالابری » (Calabre) و « باری » (Bari) و در پاره‌ای دوره‌ها تا حدود ونیز هم بتصرف مسلمانان درآمد ولی این تسلط آن اندازه پی‌گیر



بداندازه‌ای زیاد است که گوئی يك هنرمند نگارگر ایرانی آنها را رقم زده است.

در شکل شماره (۱) بخشی از طاق مزبور را مشاهده میکنیم و سپس با تصویرهای بعدی ریزه کاریهای آنها مورد مطالعه قرار میدهیم و آنها را با نمونه‌های شناخته شده هنر ایرانی مقایسه مینمائیم .

شکل شماره (۲) یکی از هزاران نقاشی طاق نمازخانه را نشان میدهد . همانگونه که دیده میشود در این نقش پرندۀ بزرگی را می بینیم که پیکر آدمیزاده‌ای را دربر گرفته و او را به آسمان برده است . چنانکه میدانیم موضوع این نقاشی از هزاران سال پیش در افسانه‌های کهن ایرانی نقل شده و از جمله در کتاب اوستا که کهن‌ترین نوشته ما ایرانیانست از این پرندۀ که مظهر تعالی و عروج روان آدمیانست بعنوان سیمرغ یاد

شکاری بی کم و کاست از روی يك رسالۀ ایرانی اقتباس و نگاشته شد که امروزه بعنوان اولین کتاب علمی در زمینه علوم طبیعی بشمار میرود .

آثار هنری ایرانی در سیسیل فراوان است ولی شاید هیچیک از آنان از نظر اعتبار و اهمیت به درجۀ نقاشیهای طاق نمازخانه «نرمانا» که آنها بنام نمازخانه «پالاتین» نیز میشناسند نرسد . این نمازخانه در زمان «روژۀ اول» ساخته شده و نقاشیهای طاق آن احتمالاً در روزگار خود وی و یا اندکی پس از وی در زمان جانشینانش بوجود آمده است. در هر حال باتوجه به مدارکی که در دست است این نقاشیها در حدود قرن دوازدهم میلادی پدید شده‌اند . این آثار در زاویه‌ها و بر روی بدنه‌های بیشمار يك طاق عظیم مقرنس کاری نقاشی شده‌اند و تأثیر هنر ایرانی بطوریکه ملاحظه خواهیم کرد در آنها

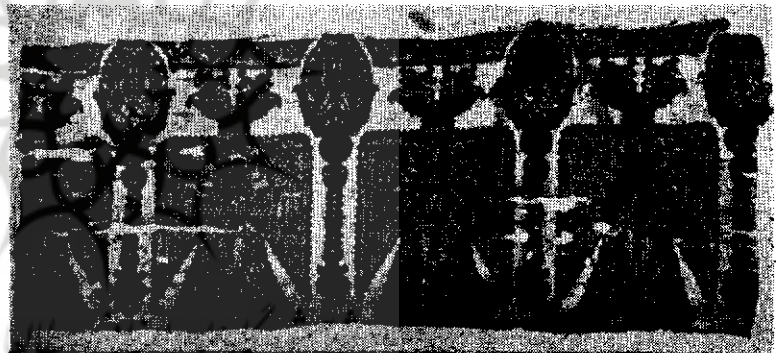


۵

۴



۷



شده است و این همان پرنده ایست که زال را با خود به کوه افسانه‌ای قاف برد و او را تربیت کرد و نیز این همان پرنده‌ای است که بنام وی دانش پژوهان بزرگ ایرانی از ابن سینا گرفته تا سهروردی و عطار رساله‌های عرفانی بی‌همتائی نگاشته‌اند. موضوع نقاشی بالا در صدها اثر ایرانی که چه قبل و چه بعد از نقاشی طاق نمازخانه نرمان نا تکرار شده بکار رفته است و ما اکنون آنرا با یکی دو نمونه این آثار مقایسه میکنیم : شکل شماره (۳) نقشی است که بر روی یک پارچه ابریشمی یافته شده در محلی نزدیک مقبره بی‌شهربانو ری بکار رفته است. در این پارچه که از قرن یازدهم میلادی بیادگار مانده نقش پرنده‌ای را مشاهده میکنیم که هیكل انسانی را دربر گرفته و او را پرواز میدهد. در شباهت این نقش با تصویر قبلی کوچکترین تردیدی



۹



۸



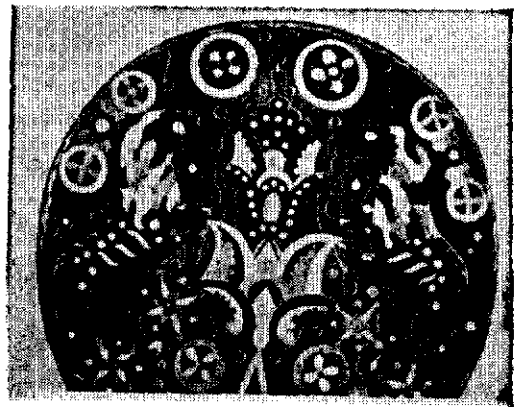
روا نیست. در هردو نقش پیکر آدمی در شکلی ترجیح‌مانند ترسیم‌شده و در هردو نقش سیمرغ به‌رنگ از چنگالهای خود جانوری را گرفته است. اگر در تصویر پارچه ما سیمرغ با دو سر نقاشی‌شده و از این نظر با سیمرغ نمازخانه اختلاف دارد این اشکال را با شکل شماره (۴) مرتفع می‌سازیم. این تصویر کاسه‌ای است از سفال لعابدار کهنه کاری شده و منقوش ایرانی و از قرن دهم میلادی است. نقش این سفال همان داستان یاد شده در پیش را بخاطر می‌آورد و در اینجا پرندۀ همانند نقش مورد نظر با یک سر ترسیم شده است. روی هر یک از بالهای سیمرغ نمازخانه نرمانا فرشته‌ای نقاشی شده که از این جهت حالت الوهیت بیشتری آنچنانکه در سنت اوستا یاد شده به‌پرندۀ می‌دهد. عوامل دیگر این نقش از مجله اسلیمی‌هایی که در زمینه نقاشی بکار رفته و به آن حالت یک فضای انتزاعی بخشیده است از هر حیث ایرانی است و از شبوه تزئینی رایج در کشور ما اقتباس شده است. شکل شماره (۵) یکی دیگر از نمونه‌های این نقش را در آثار ایرانی نمایش می‌دهد. این نقوش بر روی یک قطعه پارچه ایرانی از قرن دهم بجای مانده است.

اکنون بسراغ نقش‌های دیگر برویم. شکل شماره (۶) یکی دیگر از نقاشی‌های طاق نمازخانه است. در این تصویر پرندۀ شبیه کرکس را می‌بینیم که بر پشت جانوری نشسته

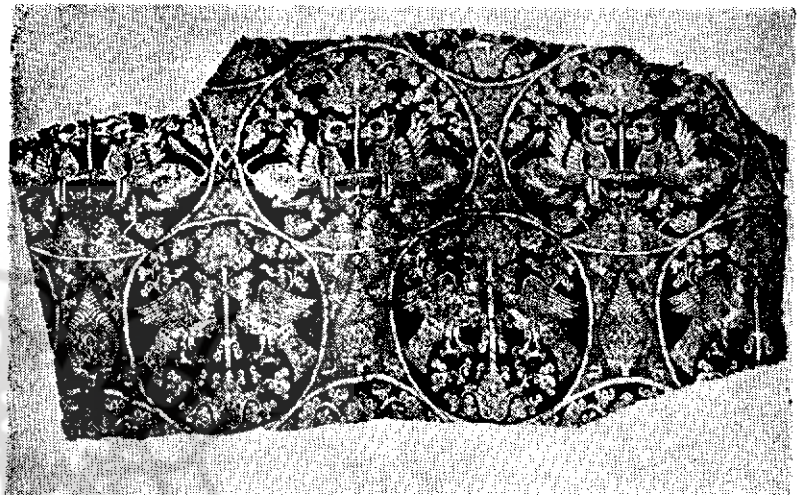
چنگالهای خود را در بدن وی فرو برده و بامقار خود به‌گویی وی حمله کرده است. تعبیر این نقش هرچه باشد خواه رمزی نحومی و خواه دینی چون پیروزی بر اهریمن در هر صورت نمایش دهنده یک اندیشه کهن ایرانی است که صدها بار در آثار هنری کشور ما تکرار شده است. نگاهی به شکل شماره (۷) موضوع را از هر جهت روشن مینماید. در این نقش همان موضوع پیش با همه خصوصیات آن بکار رفته با این فرق که این شیئی که از طلا ساخته شده در حدود هزار و پانصد سال پیش از تصویر طاق نمازخانه نرمانا در کشور ما بدست هنرمندان این سرزمین قلم‌زنی شده است. اینکه چگونه هنر ایرانی پس از گذشت زمان و روی آوردهای آن همه ویژگی‌های کهن خود را حفظ کرده است و تا دورترین نقاط عالم رواج یافته و رونق پیدا کرده است از شگفتی‌های تاریخ هنر است. در تصویرهای شماره (۸) و (۹) که اولی از نقاشی‌های

از يك صراحی زمان ساسانیان است که به شیوه مینای خانه بندی پدیدگشته و همین موضوع را نمایش میدهد و شکل شماره (۱۲) نقش های يك یافته ایرانی متعلق به قرن دهم میلادی را معرفی مینماید . همانگونه که می بینیم در این تصاویر شباهت غیر قابل انکاری وجود دارد و ناچاریم بپذیریم که نقاش طاق نمازخانه نرمان نا بر حسب تصادف این موضوعات را سرمشق خویش قرار نداده است. از نظر حالت چهره شیران که گفتیم صد درصد به شیوه ایرانی است بد نیست نظری به این بشقاب نقره ساسانی بیفکنیم . شکل شماره (۱۳) و نقش چهره شیر آنرا با نقش مورد نظر به سنجیم .

تقریباً همه موضوعات رائج در هنر تصویری ایرانی



۱۱



۱۲

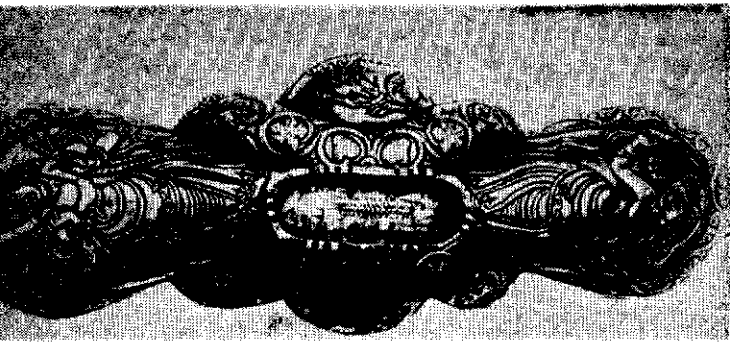


۱۳

۱۴

طاق نمازخانه ودومی لوحه طلائی قلمزده عصر هخامنشی است همین موضوع با تغییراتی سرمشق هنرمند بوده است جز آنکه در این بار در اثر متعلق به دوران هخامنشیان بجای پرنده شیر بالداری نقش شده .

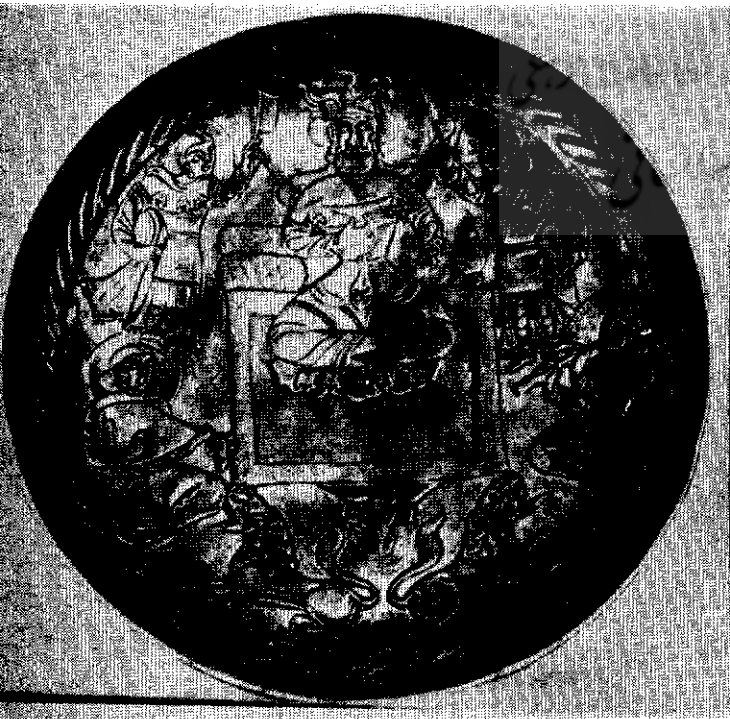
اکنون به سراغ نقش های دیگر برویم . شکل شماره (۱۰) یکی دیگر از تصاویر طاق مورد بحث میباشد . در این نقش دوشیر در طرفین بوته ای طراحی شده است . چنانکه میدانیم این موضوع هم همانند نقش های پیش از کهن ترین ایام در آثار هنری ایرانی بکار رفته و بنام پرستش کنندگان درخت زندگی و یا خدای حیوانی و نباتی و نامهای دیگر شهرت یافته است . شاید ریشه این نقش از دورانهاییکه انسان عوامل طبیعت را می پرستیده بیادگار مانده باشد. بهر تقدیر نقش نقش است ایرانی و از هر جهت موافق شیوه های تصویری و تزئینی ایرانی ترسیم گشته است . چه موضوع این اثر و چه ترنج ها و اسلیمی ها و بیچک های متن آن وجه طریقه نمایش حالت جانور همه و همه ایرانی است . ما چند نمونه از همین نقش را در آثار ایرانی که در دورانهای مختلف بر روی اشیاء گوناگون بکار رفته است برای مطابقت و سنجش برگزیده ایم : شکل شماره (۱۱) بخشی



۱۶



۱۷



۱۸

در نقاشیهای بیشمار طاق نمازخانه نرمان نا بکار رفته است و بهمان شیوه سنتی ایرانی نقش گشته است.

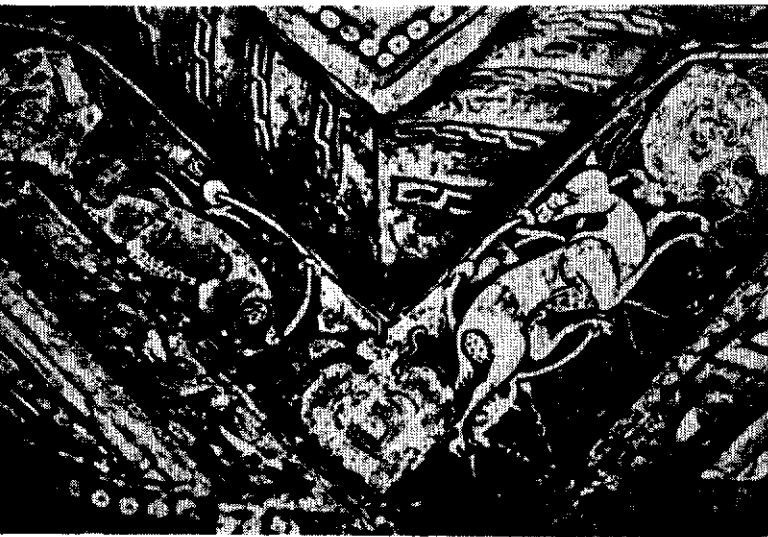
نگاهی به شکل‌های شماره (۱۴) و (۱۵) بینکنیم. اینها دو صحنه از نقاشیهای طاق همان ساختمان است. هنرمند يك موضوع بسیار شناخته شده هنر ساسانی یعنی صحنه رقص را نقاشی کرده است. البته نقش رقصان بر طاق يك پرسشگاه کمی شگفت‌آور است ولی هنگامی که بیندیشیم که هنرمند کم‌وبیش همه موضوع‌های نقاشیهای خود را احتمالاً بدون توجه به مفهوم آنها فقط بعنوان يك نقش از یادگارهای هنری کهن ایرانی برگزیده است شگفتی ما تا اندازه‌ای برطرف میشود. بهر حال طراحی اندامها با قلم‌گیری‌های آن وشالهای پیچیده و دیگر خصوصیات رقصان منقوش بر طاق نمازخانه همگی بشیوه ایرانی است. يك نگاه بشکل شماره (۱۶) که از يك ظرف نقره ساسانی عکس برداری شده خوانندگان گرامی را بیشتر به نکته‌ای که بدان اشاره شد متوجه میسازد.

هر بخشی از طاق نمازخانه نرمان نا را که مطالعه کنیم نکته تازه‌ای از هنر ایرانی را در آن می‌یابیم.

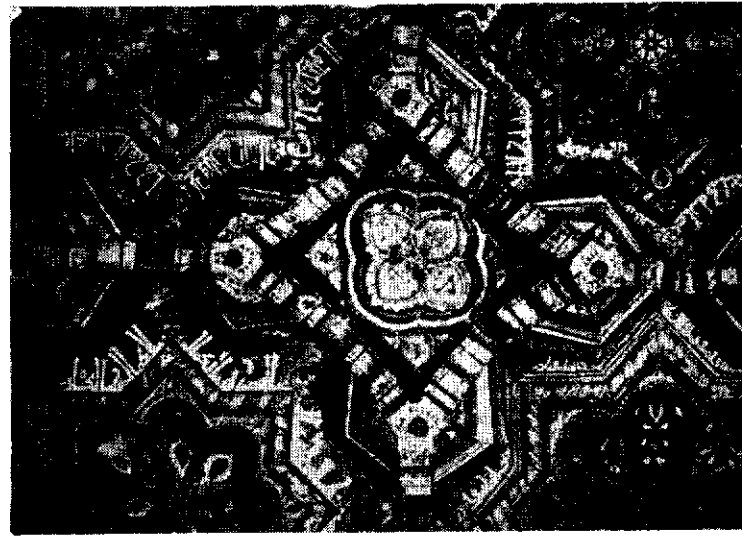
شکل شماره (۱۷) بخش دیگری از همان طاق است. در اطراف این نقش دو تک‌صورت ساخته شده که هر يك جامی در دست دارند. همانگونه که میدانیم این موضوع نیز از دیرباز از صحنه‌های مورد علاقه هنرمندان ایرانی بوده است و هزاران بار در آثار آنان تکرار شده است. نگاهی به شکل شماره (۱۸) که يك بشقاب ساسانی را با نقش بهرام گور نشان میدهد برای روشن شدن مطلب کافی بنظر میرسد.

۱۵

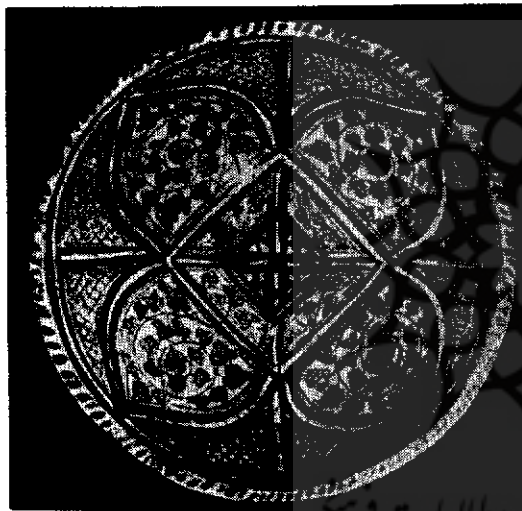




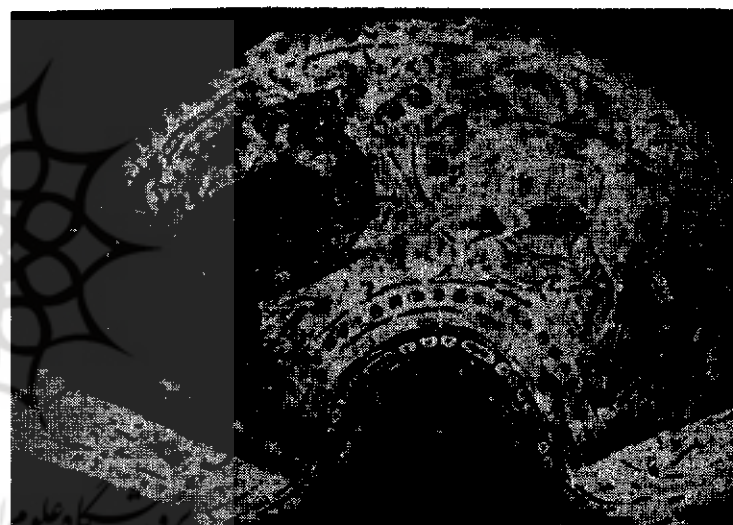
۲۰



۱۹



۲۲



۲۱

بشقاب گود قرن نهم میلادی و دومی تصویر چندکاشی لعابدار قرن سیزدهم ایرانی است و درکاشان ساخته شده می‌پردازیم . آخرین نمونه‌ای که از نقاشیهای پرستشگاه نرمان نا مطالعه میکنیم شکل شماره (۲۴) است . آنچنانکه پیداست این نقاشی تصویر مرغی است با سر آدمی که هاله‌ای از نور دور سر او را فرا گرفته است و شاخه‌های تزئینی گرداگرد او ترسیم شده‌است. در نخستین نگاه درمی‌یابیم که این پرنده مقدس همان مرغ طوبی است که از دیرزمان سرمشق هنرمندان ایرانی قرار داشته و تا زمان ما در نقاشیهای عامیانه ایرانی و پرده‌هاییکه تقالان در مجالس خود نشان میدهند تصویر آن متداول است و آنرا می‌بینیم که بر فراز درخت طوبی در باغ بهشت آرمیده است . نقشی که بر روی کاسه سفالی زرفام ری شکل (۲۵) که از قرن

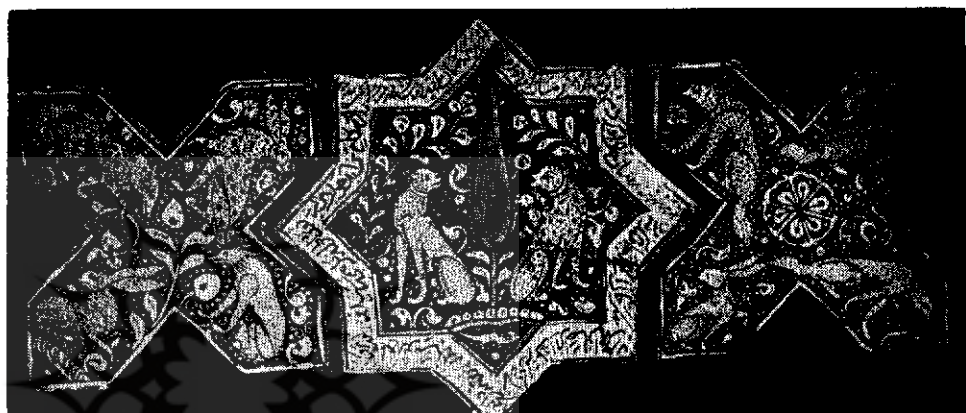
نقش‌های دیگری که بنظر خوانندگان ارجمند میرسد گوشه دیگری از تصاویر منقوش بر سقف پرستشگاه نرمان نا و مقایسه آنها را با مدارك ایرانی معرفی مینماید . شکل‌های شماره (۱۹) و (۲۰) و (۲۱) از طاق‌مورد بحث عکسبرداری شده است. طرح عمومی این تصاویر همگی ایرانی است از چندضلعی‌های ستاره‌ای شکل (۱۹) تا نقش بخش مرکزی آن همه از عواملی هستند که در آثار ایرانی شناخته‌ایم . همچنین است آهوان شکل (۲۰) و سر ترنج‌هاییکه آنان را از هم جدا میکند و بالاخره بندهای اسلیمی که درمیان آنان دوانده شده که شکل شماره (۲۱) نیز گونه‌ای دیگر از همین نقش است . برای کوتاه کردن سخن و پرهیز از ملال خوانندگان عزیز ما تنها به ارائه تصاویر شماره (۲۲) و (۲۳) که اولی نقش يك

ایرانی دربار روژه پادشاه نرمانا نباشد دست کم هنرمندی است که فن نقاشی را نزد ایرانیان آموخته بوده و با هنر سنتی کشور ما بخوبی آشنا بوده است. اگر بخاطر آوریم که سلسله‌ای که پیش از نرمانا بر سیسیل تسلط داشت یعنی اقلابی‌ها از دسته‌ای بودند که به‌عامل ایرانی در دستگاه خود اهمیت فراوان میدادند و چنانچه بیاد داشته باشیم که مقارن همان ایامی که طاق نمازخانه نرمانا نقاشی‌میشده ما در ایران یکی از درخشانترین دوره‌های تاریخ هنر خود را میگذرانده‌ایم و هنر ایرانی با پیروزیهای

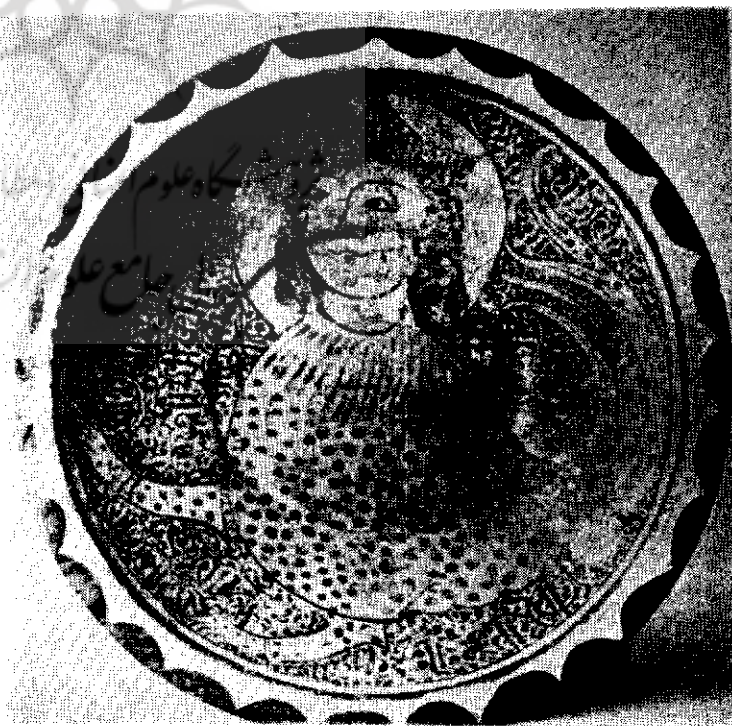
یازدهم میلادی است و تصویری که در گوشه سمت راست این کوزه دوجداره کاشان شکل (۲۶) که اندکی دیرتر از کاسه بالا ساخته شده است دو نمونه از این نقش را در آثار ایرانی معرفی مینماید. شکل شماره (۲۷) تصویر دیگری از این مرغ را که بر یک جعبه عاج دوران ساسانی بکار رفته نشان میدهد. با این تصاویر بحث ما پیرامون نقاشیهای طاق نمازخانه نرمانا پایان میپذیرد. این آثار را کدام نقاش رقم زده است؟ بنظر ما اگر نگارگر این آثار یکی از صدها هنرمند دانشمند



۲۴



۲۳



۲۵

سلجوقیان در بخش بزرگی از جهان گسترش می‌یافته در آن هنگام شناسائی نفوذ هنر ایرانی در جزیره‌ای که بیش از هزار فرسنگ از سرزمین ما دورتر قرار گرفته بر ما آسان‌تر می‌گردد. همچنین میدانیم که اقلابی‌ها در افریقه نیز مغلوب فاطمیون گردیدند و سلسله‌ اخیر که شیعی‌مذهب بودند چنانکه میدانیم از بسیاری ملاحظات گرایش‌های ایرانی داشتند. نرمان‌ها وارث تمدنی بودند که همه عوامل فرهنگی خود را از ایران کسب کرده بود و چون جنگجویانی بودند که از جنگلهای شمال اروپا از سرزمینهاییکه هنوز مظاهر تمدن در آن نواحی منجلی نشده بود به سوی جنوب سرازیر شده بودند و خود تمدن خاصی نداشتند که نسبت بدان مهرورزند به این مناسبت تمدنی را که پیش از آنان در قلمرو حکمرانی آنان و از جمله در جزیره سیسیل رواج داشت بی‌کم و کاست پذیرفتند و باید بیندیشیم که هنگام حکمرانی این سلسله ایرانیانی که در جزیره مسکن داشتند فرصت یافتند با نشان دادن نبوغ ذاتی و هنرنمایی‌های خود مقام اول را در دستگاه آنان پیدا کنند و به بسط و نشر هنر و فرهنگ ایرانی در تمام قلمرو حکمرانی نرمان‌ها پردازند.

